

نقش والدین در پرورش تفکر کودک

تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

زینب رستمی روملو^۱

چکیده

اطلاعات و دانایی، ویژگی بارز عصر حاضر محسوب می‌شود؛ بنابراین، شایسته است که یکی از مهم‌ترین اهداف خانواده‌ها و نهادهای علمی و فرهنگی کشور، پرورش قدرت تفکر افراد جامعه باشد. برای رسیدن به این مقصود، باید از کودکی آغاز کرد و ذهن کودک را با شیوه‌های مناسب پرورش داد. مهم‌ترین و نخستین کانون تربیت، خانواده است که در رأس آن والدین، نقش به‌سزایی در پرورش تفکر کودک دارند. اما متأسفانه یکی از چالش‌های امروز، کم‌کاری و عدم توجه والدین به پرورش مهارت تفکر در فرزندان‌شان است؛ به‌طور طبیعی در نتیجه این کم‌توجهی، فرزند آن‌ها در بزرگسالی تنها با شنیدن یک جمله تند، عصبانی می‌شود و کتک‌کاری می‌کند یا دست به اسلحه سرد می‌برد! چراکه هنوز هنر فکر کردن را نیاموخته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش والدین در پرورش تفکر کودک، با روش تحقیق توصیفی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. با توجه به اهمیت جایگاه و تأثیر والدین در تربیت کودکان، نقش آن‌ها می‌تواند ایجابی یا سلبی باشد؛ در نقش ایجابی، والدین با تکریم شخصیت، پرورش مهارت خوب گوش کردن، خوب دیدن و تقویت کنجکاوی کودک، می‌توانند مهارت فکر کردن را در او تقویت کنند. در مقابل، ایفای نقش سلبی با سرزنش‌های مکرر، تمسخر پرسش‌های کودک یا منع از بازی کردن و... می‌تواند منجر به سلب مهارت تفکر از وی شود.

واژگان کلیدی: تفکر، کنجکاوی، کودک، والدین.

۱. طلبه سطح سه، رشته تربیت دینی کودک و نوجوان، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (عج)، قم.

مقدمه

اولین کانون تربیت، خانواده است که در رأس آن، والدین نقش به‌سزایی در پرورش تفکر کودک دارند. تفکر، مصدر باب تفعّل، یا اسم مصدر باب تفعیل (ابن‌منظور، ق ۱۴۵۸، ج ۵، ص ۶۵) از ریشه «ف - ک - ر»، در لغت به معنای تأمل (الجوهری، ۱۴۵۷ق، ج ۲، ص ۷۸۳)، اندیشیدن، به فکر و اندیشه فرو رفتن (عمید، ۱۳۹۵، ماده تفکر) و در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیاء برای ادراک مطلوب است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۶).

اندیشیدن، ضرورت نسل امروز ماست. با تقویت تفکر، انسان می‌تواند کارهای خوب و بد را از هم تشخیص دهد. در قرآن کریم، اندیشیدن از اوصاف خردمندان شمرده شده که نشان‌گر اهمیت تفکر است. کودکان نیز با داشتن مهارت تفکر می‌توانند به موفقیت‌های آموزشی و تحصیلی دست پیدا کنند. چالش امروز، بی‌حرکی و سرگرم شدن کودکان با بازی‌های رایانه‌ای و کم‌کاری والدین در پرورش مهارت تفکر در آنان است.

در زمینه پرورش تفکر در کودکان، پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است؛ ازجمله: «بررسی راه‌های پرورش تفکر در کودکان دبستانی»، (مالکی‌پور، اکرم، ۱۳۹۲)؛ «رشد تفکر کودک از منظر روان‌شناسی تحول»، (پورحسین، رضا، ۱۳۹۴)؛ «قصه و داستان: ابزار اولیا و مربیان برای پرورش تفکر»، (سلیمی بجستانی، حسین، ۱۳۹۶)؛ «نقش تفکر در آموزش مفاهیم دینی»، (نیک‌فرجام، محمدکاظم و نجفی، حسن، ۱۴۰۱)؛ اما سعی پژوهش حاضر این است که به بررسی نقش والدین در پرورش مهارت تفکر در کودک بپردازد.

نقش والدین در پرورش مهارت تفکر در کودک، به دو گونه زیر ایفا می‌شود:

نقش والدین در پرورش مهارت تفکر در کودکان	
نقش سلبی	نقش ایجابی
۱. شخصیت رفتاری نامناسب	۱. تکریم شخصیت؛
۲. بیهوده شمردن خلاقیت کودک!	۲. آموزش قرآن و دعا برای تقویت تفکر؛
۳. قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل؛	۳. آموزش هنر خوب دیدن، گوش دادن و به
۴. انتقاد مکرر از رفتار کودک؛	خاطر سپردن؛
۵. منع از بازی کردن؛	۴. درونی کردن تفکر و دادن آزادی عمل؛

نقش والدین در پرورش مهارت تفکر در کودکان	
نقش سلبی	نقش ایجابی
۶. گرفتن فرصت آزمون و خطا؛	۵. بازی با کودک؛
۷. انجام تکالیف درسی کودک؛	۶. هدایت کنجکاوی کودک به مسیر درست؛
۸. سرزنش به خاطر بهم ریختن خانه؛	۷. معاشرت با دانشمندان و تشویق به مطالعه و علم‌آموزی؛
۹. خجالت‌زده کردن کودک در جمع!	۸. مشورت با کودک؛
۱۰. تمسخر پرسش‌های کودک و ...	۹. تقویت پرسش‌گری و جدی تلقی کردن سؤالات؛
	۱۰. زمینه‌سازی خوب فکر کردن روی پرسش و ...

۱. نقش ایجابی والدین در پرورش تفکر کودک؛ همان‌گونه که گفته شد، نقش‌آفرینی ایجابی والدین شامل مواردی هم‌چون: تکریم شخصیت کودک، آموزش هنر خوب دیدن، خوب گوش کردن و فهمیدن، بازی با کودک و تقویت تخیل او، هدایت کنجکاوی وی و... است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱. تکریم شخصیت

اگرچه تصورات کودکان با بزرگسالان متفاوت است، اما آنان نیز در هر سنی که باشند، برای خود شخصیت و احترام قائل‌اند و دوست دارند در کانون توجه و احترام قرار بگیرند. نباید چنین تصور کرد که کودکان نمی‌فهمند و درک ندارند. آنان رفتار اطرافیان خود را با دقت و حساسیت زیر نظر دارند (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۹۵). والدین با تکریم شخصیت فرزند، زمینه رشد تفکر را در او فراهم می‌کنند. مشورت با فرزند، نظرخواهی از او در نشست‌های خانوادگی و گوش دادن به سخنانش، نمونه‌هایی از تکریم شخصیت کودک می‌باشد (دهنوی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۴).

در سیره رسول خدا ﷺ آمده است: وقتی حضرت فاطمه علیها السلام وارد می‌شدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به احترام ایشان از جای خود برمی‌خاستند و ایشان (یا دست‌شان) را می‌بوسیدند و در جای خود می‌نشاندند (شعبانی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

۲-۱. آموزش هنر خوب دیدن

هنر خوب دیدن، لازمه رسیدن به توانایی تفکر است. کودک ذاتاً کنجکاو بوده و دوست دارد

همه چیز را بشناسد؛ و این راز تکامل انسان است. بزرگترها به ویژه والدین با ایفای دو نقش متفاوت ایجابی یا سلبی، می‌توانند این غریزه و خصوصیت را در او شکوفا یا سرکوب نمایند! نوزاد پس از چند روز، به اطراف خود نگاه می‌کند، وقتی بزرگ‌تر شد، به اشیاء خیره می‌شود؛ آن‌ها را با دست می‌گیرد، لمس می‌کند و به طرف دهان می‌برد. او پس از آن‌که بازی و دست‌کاری اشیاء را آموخت، می‌خواهد به عمق آن‌ها پی ببرد. گاه اسباب‌بازی خود را می‌شکند تا از داخل آن سر درآورد! این همان خوب دیدن و به تعبیر علمی «مشاهده» است. کودک سالم، با دیدن بعضی چیزها سؤال می‌کند و اگر بزرگترها جواب درست و کامل به او بدهند، بیشتر درباره آن به کنجکاو می‌پردازد و اگر سر او داد بزنند و یا جواب او را ندهند، ممکن است کم‌کم از توجه کردن و پرسیدن دلسرد شود. بگذارید کودک در جاهای بی‌خطر بازی کند؛ با اشیاء مختلف آشنا شود؛ آن‌ها را جابه‌جا کند و به مشاهده دقیق آن‌ها پردازد. اگر به چیزی خیره شد که خطرناک نیست، بگذارید به آن دست بزند (نیکویان، ۱۳۹۵، ص ۴۶)، خوب آن‌را ببیند و درباره‌اش سؤال کند. گاه او را به تماشای حیوانات (باغ وحش) یا آکواریوم ببرید و با پاسخ به سؤال‌هایش درباره جانوران، نکات لازم را در حد سن او توضیح دهید.

دکتر «میریام استاپرد»، پزشک، مشاور و نویسنده انگلیسی، می‌گوید: «در سن ۴۰ هفتگی، قایم‌باشک با اسباب‌بازی را با کودک تمرین کنید. در جعبه گذاشتن و خارج کردن اشیاء را با او کار کنید. با او کتاب ورق بزنید (البته کتاب‌های کودکانه با تصاویر بزرگ و خوش‌رنگ...». اگر پدر و مادر دقیق شدن در تصاویر کتاب و اشیاء را رعایت کنند، کودک نیز به این کار علاقه‌مند خواهد شد و استعداد مشاهده و دقت در او پرورش خواهد یافت (همان، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

۳-۱. آموزش هنر گوش دادن و به خاطر سپردن

یکی از کارهای جالب والدین و بزرگان خانواده در قدیم، قصه گفتن بود. وقتی مادری برای کودک قصه می‌گفت، در حقیقت هنر گوش دادن را به او می‌آموخت. هنگامی که مادر بزرگ برای نوه‌اش قصه‌ای تعریف می‌کرد، او سرش را روی دامن مادر بزرگ می‌گذاشت و گاه چشم در چشم او می‌دوخت و سراپا مشغول شنیدن می‌شد. کودک با خیال‌پردازی، تمام مناظر قصه را در ذهن خود می‌ساخت. او در بین قصه یا پس از آن، از گوینده سؤال می‌کرد؛ یعنی اندیشیده و سؤال برایش پیش آمده بود. درحالی‌که کارتون‌ها و فیلم‌های امروزی کودکان، با ساخت تصاویر و ارائه یک شکل خاص از شخصیت‌ها و مناظر قصه، مانع تصویرسازی ذهنی کودک می‌شوند و او

شخصیت‌های کارتونی را همان‌طور که می‌بیند، قبول می‌کند. اما اگر قصه را بشنود، علاوه بر فراگیری هنر گوش‌دادن، تصاویر و شخصیت‌های گوناگونی را در ذهن خود بازسازی می‌کند! می‌دانیم که بشر از راه خیال‌پردازی و پرورش آرزوها، به اکتشاف رسیده است؛ «ژول ورن»، نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی، در خیال خود زیردریایی ساخت و آن را در داستانش نوشت و بعدها دیگران آن را اختراع کردند. با قصه گفتن می‌توانیم به تعداد بچه‌هایی که آن را می‌شنوند، تصویر، صحنه و شخصیت‌های گوناگون داشته باشیم. بزرگترها نباید اهمیت قصه‌گویی را فراموش کنند، چرا که این کار برای پرورش هنر گوش‌دادن و وادار کردن او به خیال‌پردازی و فکر و پرسش کردن، بسیار مهم و شاید ضروری است (همان، ۱۳۹۵، ص ۵۲-۵۴).

۴-۱. بازی

بازی، از دیگر شیوه‌های تقویت تفکر در کودک است. بازی‌هایی مانند قایم‌باشک، هنرهای نمایشی، پانتومیم و حتی تشخیص افراد با چشم بسته، حل جدول، جورچین و... در تقویت تفکر کودک مؤثر هستند (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۴۶). نکته دیگر، لزوم دقت در انتخاب اسباب‌بازی برای کودک است که باید متناسب با جنسیت و سن او باشد (همان، ۱۳۹۷، ص ۴۵). هم‌چنین قابلیت باز و بسته شدن داشته و گران‌قیمت نباشد تا کودک بتواند با تغییر نوع چینش، محصول جدیدی را درست کند؛ البته برای کودک تازه‌گویی هم داشته باشد (همان، ۱۳۹۷، ص ۴۶).

۵-۱. تقویت خیال‌پردازی

تخیل، نوعی تفکر ذهنی است که حد و مرز نمی‌شناسد. کودک، ذهن خیال‌پرداز و انعطاف‌پذیری دارد که فارغ از قید و بند دست‌وپاگیر دنیای واقعی، می‌تواند هر ناممکنی را ممکن و توانایی‌های بالقوه را بالفعل سازد. در دنیای کودکان، این قوه فعال‌تر است. آنان برای بازی حد و مرزی نمی‌شناسند؛ چرا که برایشان عروسک، اسباب‌بازی، در و دیوار و تمام اشیای اطراف، جان‌دار هستند. کودک، این توانایی را دارد که اشیای بی‌جان را، جان بخشیده، رفیق خود سازد و با آن‌ها احساس هم‌دلی نماید یا این‌که آن‌ها را دشمن تلقی کرده و مبارزه کند (همان، ۱۳۹۷، ص ۷۱). وقتی کودک شما در گوشه‌ای ساکت نشسته است، یا دارد با خودش حرف می‌زند و خیال‌بافی می‌کند، او را به حال خود بگذارید و آرامشش را به هم نزنید. باید فکر کند و در خیال خود چیزهایی بسازد و بعد از خویش یا از کسی سؤال کند. او را صدا نزنید و سرش داد نکشید! این کار او طول نمی‌کشد و خودش به آن پایان خواهد داد. این فکر کردن و با خود حرف‌زدن و

خیال‌پردازی، برای او لازم است. فکر و سپس سؤال کردن و بعد به دنبال جواب رفتن، شخصیت طفل و ذهن و فکر و استعداد وی را پرورش می‌دهد (نیکوبیان، ۱۳۹۵، ص ۳۰).

۶-۱. آموزش قرآن و دعا برای تقویت تفکر

اهمیت آموزش قرآن و دعا به فرزندان بر کسی پوشیده نیست. به مدد خواندن قرآن و دعا، انسان نیازهایش را با خداوند متعال در میان می‌گذارد و به آرامش می‌رسد. در واقع با خواندن قرآن و دعا، انسان مجالی پیدا می‌کند تا برای دقایقی در تنهایی، خویشتن را ارزیابی کند. ارزیابی از خود در سایه آرامش، مهم‌ترین رکن برای تقویت قوه تفکر به شمار می‌آید.

در بطن آیات قرآن، ادعیه و فرازهای پرشماری از دعوت به تفکر وجود دارد (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۷۹). حضرت امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام، اهمیت فراگیری کتاب الهی را یادآور شده و فرمودند: «أَبْتَدِئُكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَأَحْكَامِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ، لَا أُجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ؛ نَحَسْتُ تَوْرَا كِتَابِ خُدا بِيَا مَوْزَمٍ وَتَأْوِيلِ آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم» (دشتی، ص ۳۹۴).

۷-۱. مسافرت‌های زیارتی، تاریخی و تفریحی

زیارت اماکن متبرکه، دیدار اقوام و دوستان، تفریح و گردش، هم‌چنین مشاهده آثار و بناهای تاریخی، گزینه‌های مطلوبی برای مسافرت هستند. حضور کودک در طبیعت، سبب می‌شود از حواس پنج‌گانه خود استفاده کند. تمرکز بیشتری داشته باشد، هم‌چنین یادگیری او افزایش و اختلالات تمرکز وی کاهش یابد (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۷۶). قرآن کریم نیز در آیاتی، بارها مردم را به سیر در زمین و مشاهده آثار گذشتگان، سرزمین‌های ویران شده اقوامی که به عذاب گرفتار شده‌اند و... دعوت و تصریح می‌کند که مطالعه این آثار، دل‌ها را بیدار و چشم‌ها را بینا می‌کند. خداوند متعال در این آیات، با دعوت مردم به نگاه کردن و عبرت گرفتن، به نحوی زمینه رشد تفکر را در آنان مهیا می‌سازد (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۷۷-۷۸).

الف. سفرهای اکتشافی

سفر اکتشافی، تنها این نیست که او را سوار ماشین کنید و به باغ وحش یا دل طبیعت ببرید، البته این هم یک گزینه خوب است؛ اما اگر او را در کارهای روزمره خانه و حتی خریدها شرکت بدهید، نوعی سفر اکتشافی برایش ترتیب داده‌اید. برای مثال، اگر برای خرید یا انجام کاری از منزل

بیرون می‌روید، سعی کنید کودک‌تان را نیز با خود ببرید؛ هرچند این کار نیاز به حوصله زیاد داشته باشد. نانوائی، میوه‌فروشی و کتاب‌فروشی، مکان‌هایی جذاب برای کودکان است که بتوانند دنیای جدید از تعاملات را کشف کنند و از فضای محدود خانه خارج شوند. هم‌چنین هنگامی که با کودک خود در صف نانوائی ایستاده‌اید، می‌توانید درباره نان گرفتن و قوانین در صف ایستادن، مطالبی را برای او بگویید و این نکته را متذکر شوید که آماده شدن نان، پروسه‌ای طولانی از کشت و کار، ساختن آرد و حمل و نقل و در نهایت پخته شدن در نانوائی است (همان، ۱۳۹۷، ص ۵۸).

ب. آماده کردن موقعیت برای مشاهدات بیشتر

معمولاً کودکان سؤالاتی از نحوه پیدایش هر آن‌چه می‌بینند، دارند؛ یکی دیگر از کارهای قابل انجام، این است که موقعیت را برای مشاهدات بیشتر آماده کنید. او را کنار دریا، کوه یا باغ وحش ببرید و بگذارید لذت ببرد و از هستی این موجودات حیرت کند. آن‌گاه پرسش‌های او عمیق‌تر می‌شود و شما می‌توانید با مهارت، آن سؤالات را به پاسخ نزدیک کنید؛ این پیشنهادی است که قرآن برای اهل تفکر مطرح کرده است (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۸۲)؛ آن‌جا که می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِزْقًا لِّغُلَامٍ ثَلَاثِينَ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد/۳) و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد، و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرارداد؛ روز را به شب پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد.»

۸-۱. هدایت کنجکاوی کودک به مسیر درست

خداوند، حس کنجکاوی را به صورت فطری در وجود انسان، خاصه کودکان نهادینه کرده است، تا به وسیله آن، شناخت بیشتری از جهان پیرامون حاصل شود و هرکسی بتواند راز آفرینش هستی را به پرسش بگیرد، پی ببرد و خود را به تکامل برساند. از این‌رو، کودک فطرتاً محقق و کنجکاو است و می‌خواهد صداها را ازهم تشخیص دهد، برای رنگ‌ها تمایزی قائل شود، دنیای اطرافش را بشناسد و دلیل بسیاری از رخدادها را بداند؛ به همین دلیل با حیرت بسیار، عالم را مشاهده می‌کند. نوزاد هنگام تولد، هیچ‌گونه شناختی از جهان اطراف خود ندارد و همه‌چیز برای او یکسان است. نه می‌تواند رنگی را تشخیص دهد، و نه می‌تواند صدایی را بشناسد و یا این‌که بخواهد از روی چهره، اشخاص را از هم تمایز بدهد (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ (نحل/۷۸) و خداوند شما را از شکم مادران تان خارج نمود، درحالی که هیچ چیز نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و عقل قرارداد تا شکر نعمت او را به جا بیاورید.»

پس از تولد و به تدریج، حس کنجکاوی در کودکان تقویت می شود. این فرزند نوپا، به مرور که بزرگ تر می شود، در طول ساعات بیداری، در حال چرخیدن و راه رفتن در خانه و کنجکاوی و انجام کارهایی است. این جنب و جوش و کنجکاوی، در ابتدا جالب و خنده دار به نظر می رسد، ولی ادامه آن برای پدر و مادر و اطرافیان، کلافگی به همراه می آورد. باید توجه داشت، حقیقت فعالیت های کودکان، کنجکاوی و کشف محیط و جست و جوی پدیده هاست که امری زیبا و بسیار حیاتی در وجود آنان بوده و نیاز است با روشی صحیح و عقلانی این حس شکوفا شود. بنابراین، باید مقداری دنیا را از دریچه نگاه کودکان بنگریم و بدانیم، هرچیزی در این دنیا می تواند برای کودکان جذاب باشد؛ خواه یک مورچه و یا یک حشره که تکه نانی را حمل می کند و خواه پدیده های مدرنی مثل تلویزیون، رایانه و دنیای مجازی (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۴۹).

۹-۱. مطالعه و علم آموزی

تأثیر آموزش و تعلیم در کودکی، چون نقش زدن بر سنگ است که به راحتی از بین نمی رود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حفظ الغلام الصغیر کالنقش فی الحجر و حفظ الرجل بعد ما یکبر کالکتاب علیا لاء؛ محفوظات طفل نورس، مانند نقشی است که بر سنگ رقم زنند و محفوظات مرد بزرگ مانند نوشته بر آب است!» امام علی علیه السلام نیز در روایتی فرمودند: «العلم من الصغیر کالنقش فی الحجر؛ علم آموزی در کودکی، همانند حکاکی بر سنگ است» (مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۴).

اگر پدر و مادر اهل مطالعه باشند، راحت تر می توانند کودکان خود را به مطالعه و علم آموزی ترغیب کنند. کتاب خواندن، سلول های مغز را فعال و زمینه تجربه اندوزی و آزمون و خطا را در کودکان افزایش می دهد. در مطالعه نیز باید، هم پدر و مادر برای آنها کتاب بخوانند و هم خودشان با کتاب خوانی انس بگیرند. متناسب با جنسیت و سن کودک باید از کتاب های جالب دینی، مذهبی، علمی و هنری برای کودک استفاده کرد. کتاب های داستانی و مصور، انتخاب خوبی برای کودکان است (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

۱۰-۱. تقویت پرسش‌گری و جدی تلقی کردن سؤالات

کودک شما ممکن است سؤالات بی‌شماری بپرسد؛ این که «چرا آسمان آبی است؟»، «خورشید تا زمین چقدر فاصله دارد؟»، «چرا آتش می‌سوزاند؟»، و سؤالات فراوان دیگر که طبیعتاً شما جواب همه‌ی آن‌ها را نمی‌دانید! بنابراین، دو نفری به دنبال پاسخ بروید! چه از دل کتاب، چه از طریق پرسیدن از یک دانشمند و حتی از طریق دیدن برنامه مستند و یا یک کارتون، با حوصله، به سؤالات کودکان پاسخ دهید. (همان، ۱۳۹۷، ص ۶۱)

زمانی که فهم موضوعی در ذهن کودک ناقص باشد، سؤال در ذهنش ایجاد می‌شود و وقتی پاسخ را دریافت کند، دو حالت به وجود می‌آید: یا قانع و توجیه می‌شود که در این صورت، دیگر درباره آن سؤال نخواهد کرد و یا قانع نخواهد شد. مرحله ۳ تا ۷ سالگی به دوران پُرگویی مشهور است. بهتر است شما در قامت والدین، وقت بیشتری را برای صحبت کردن با وی صرف کنید. هنگام سخن گفتن نیز، آهسته و شمرده حرف بزنید؛ از کلمات ساده و قابل فهم برای او استفاده نمایید و واژه‌ها را صحیح ادا کنید تا هم کودک را در فراگیری لغات و کلمات یاری دهید و هم از او شنونده خوبی بسازید. سؤالات ذهن کودک، از شناخت دنیای اطرافش سرچشمه می‌گیرد و ناشی از روح کنجکاو اوست که با توجه به میزان رشد و فهم و درک و سن کودک متفاوت است. کودک در سنین ابتدایی زندگی خود به دنبال این است که بداند منشاء جهان و هستی چیست؟ پدیده‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرند و به‌طور کلی می‌خواهد برای تمام شک‌ها و تردیدها و سؤالات خود پاسخ قانع‌کننده پیدا کند (همان، ۱۳۹۷، ص ۴۷). سعی در تقویت پرسش‌گری کودک داشته باشید؛ کنجکاوای‌های فرزند خود را نادیده نگیرید و تا رسیدن به نتیجه مطلوب آن را دنبال کنید. در مواجهه با پرسش‌های فرزندتان حساس باشید و هیچ‌گاه وانمود نکنید که پاسخ همه پرسش‌های او را آماده دارید. گاهی باید همت کنید و فرزندتان را پیش عالمان و دانشمندان ببرید تا پاسخ‌های درست و دقیقی به پرسش‌های او بدهند. بدانید که فرزند شما از دوران کودکی چیزهای جدید را در زندگی تجربه می‌کند و نیاز دارد تا درباره آن‌ها بپرسد. بنابراین، به پرسش‌های او اهمیت بدهید و راهنمایی‌اش نمایید تا بفهمد برای یافتن پاسخ باید تلاش کند و هیچ چیزی را در زندگی سرسری نگیرد (همان، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

گاهی کودک، روش‌ها و زمان نامناسبی را برای سؤال پرسیدن و کشف اطراف خود انتخاب می‌کند که ممکن است به جای پیامدهای مثبت، نتایج منفی در پی داشته و سبب سرخوردگی و پشیمانی از پرسش شود. باید به او آموزش دهید تا بداند در همه زمان‌ها و شرایط نمی‌توان به

سؤالات پاسخ داد. باید از قبل به او این مطلب را بگویید تا درک وی بالا برود و به دنبال زمان مناسب باشد. هم‌چنین از کودک بخواهید که خودش نیز به دنبال راه حل و پاسخ برای سؤالاتش برود تا موجب افزایش خلاقیت، رشد هوش و توانایی تفکر و حل مسئله گردد. وقتی کودک شما، پاسخ پرسش را دریافت کرد و قانع شد، پس از مدتی باید دوباره در مورد همان موضوع با او صحبت کنید. با این کار، مطمئن می‌شوید که مطلب در ذهنش باقی مانده است (همان، ۱۳۹۷، ص ۵۳).

۱۱-۱. مشورت

رای و نظر فرزندان را در بعضی از امور مهم منزل جویا شوید. مطمئن باشید آن‌ها بیشترین توان خود را به کار می‌گیرند تا ایده‌های نو و خلاقانه ارائه کنند و خواهید دید که چقدر راهکارهای آنان مؤثر واقع می‌شود. مشورت‌خواهی از فرزندان، سبب می‌شود آن‌ها خود را در مدیریت منزل سهیم بدانند و همه مسئولیت را بر روی دوش پدر و مادر نیندازند. این احساس مسئولیت، به آن‌ها عزت نفس می‌دهد و سبب می‌شود منزلت خویش را بهتر بشناسد و در مقابل اعمال خود پاسخ‌گو باشد. در این هنگام، او را به تفکر در نتایج نظری که داده است، فرا بخوانید و اجازه دهید، بتواند نتایج کارهایش را مجسم کند. فرزندان را به خاطر رای غیر کارشناسی نادیده نگیرید، بلکه به او بیاموزید که همیشه هر مسئله‌ای را باید از مناظر گوناگون نگاه کرد، آن‌گاه با احتساب سود و ضرر احتمالی، راه حل مناسب را ارائه داد (همان، ۱۳۹۷، ص ۸۴).

مشاوره گرفتن در فرهنگ اسلامی بسیار ستوده شده است، چنان‌که خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره شوری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛ و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و در میان‌شان مشورت است و از آنچه روزی‌شان دادیم، انفاق می‌کنند.» امام علی علیه السلام نیز در روایتی زیبا فرموده‌اند: «کسی که با مردم مشورت کند، در عقل‌هایشان شریک شده است.»

۱۲-۱. چشاندن طعم فصل‌های سال به کودک

عوض شدن فصل‌های سال، از زیباترین رویدادهای طبیعت هستند که به خاطر تکرار و زندگی شهرنشینی لذت لمس کردن و تماشای آن، برای ما بزرگسالان از بین رفته است. سعی کنید طعم فصل‌ها را به کودک خود بچشانید؛ از باران صحبت کنید و در زیر آن قدم بزنید. خزان برگ‌ها را در پاییز مشاهده کنید. مقدار برف را در زمستان اندازه بگیرید و آدم برفی درست کنید. پرنده‌های

مهاجر را در بالای پشت بام خانه به تماشا بنشینید و اجازه دهید کودک صدای پرندگان را بشنود. او را به مکان‌های باز ببرید؛ در بیرون از شهر به او اجازه بدهید چهره عریان طبیعت را به دور از در و دیوار لمس و در مورد آن تفکر کند (همان، ۱۳۹۷، ص ۶۰).

۱۳-۱. معاشرت با عالمان و دانشمندان

فرزندان غالباً برای اعمال و رفتار خود به دنبال الگوهایی هستند. پس چه بهتر که این الگوها افراد عاقل و دانشمند باشند و از رهگذر شما وارد زندگی فرزندان تان بشوند. بی‌شک، سخنان دانشمندان عموماً توجهات عقلی، منطقی و علمی دارد. هم‌چنین اخلاق و رفتار آن‌ها نیز جذاب است و فرزندان از ابتدای کودکی می‌توانند این جذابیت را در نحوه معاشرت با علما و دانشمندان تجربه کنند (همان، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

۱۴-۱. تشویق و زمینه‌سازی در جهت خوب فکر کردن روی پرسش

قدرت پیش‌بینی کودک را در شرایط مختلف تقویت کنید. از او بخواهید تا اتفاقات بعدی را حدس بزند. بنابراین به تفکر می‌پردازد و با استفاده از تجربیات قبلی، پاسخ‌هایی ارائه می‌دهد که ممکن است صحیح یا اشتباه باشد، ولی به هر حال درباره آن‌ها فکر می‌کند. به درستی یا نادرستی پاسخ‌هایش حساس نباشید. هم‌چنین از کودک بخواهید تا وقایعی که برایش رخ داده، به‌خصوص حوادث خوب و شادی‌آور را برای شما تعریف کند. این کار، افزون بر این که کودک را به تفکر وامی‌دارد، سبب جلب توجه او به موضوعات مثبت و دوری از افکار منفی می‌شود. این یکی از راه‌های ایجاد تفکر مثبت در کودکان است (همان، ۱۳۹۷، ص ۷۰-۷۱). نکته دیگر، فرصت دادن به کودک، جهت خوب فکر کردن درباره پرسش است. او باید با کمال آرامش و حوصله، آن‌چه را به فکرش می‌رسد بیان کند؛ با تأمل حرف زدن را کم‌کم بیاموزد و تمرین کند تا در آینده، بدون تفکر حرف نزند و مشکلی برای خود و دیگران به وجود نیآورد. وقتی کودک سؤال پرسید، فوری جواب سؤال‌ها را ندهید. به او بگویید فکر کن! یا برو از پدر بزرگ پرس. با این کار، کودک یک قدم برای تحقیق برمی‌دارد. و اگر مثلاً کودک از مادرش پرسید: چرا ماشین بابا روشن نشد؟ مادر می‌تواند بگوید: تو فکر می‌کنی چرا؟ (نیکوبیان، ۱۳۹۵، ص ۵۰).

۱۵-۱. استفاده از تمثیل و تصویرسازی

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در بیابانی خشک و بی آب و علف توقف کردند و به اصحاب خود فرمودند: بروید هیزم بیاورید! اصحاب گفتند یا رسول الله! در این بیابان

هیزم پیدا نمی‌شود. پیامبر ﷺ فرمودند: هرکس به اندازه‌ای که می‌تواند هرچند اندک، هیزم جمع‌آوری کند. اصحاب در بیابان به دنبال هیزم گشتند و هرکس مقداری آورد و بر روی هم انباشتند، هیزم‌ها به صورت پشته‌ای درآمد. پیامبر ﷺ فرمودند: گناهان نیز این‌گونه جمع می‌شوند. سپس فرمودند: از گناهان کوچک پرهیزید، زیرا هرچیزی بازخواست‌کننده‌ای دارد. بدانید که بازخواست‌کننده گناهان، می‌نویسد آنچه را مردم پیش‌فرستاده و آثار آن‌ها را در امام مبین (لوح محفوظ، نامه اعمال) شماره می‌کند».

کودکان وارد دنیای انتزاعی و عقلانی نمی‌شوند و اصولاً علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهند، اما تصاویر و نسبت آن‌ها با دنیای واقعی را به خوبی درک نموده و می‌توانند از آن نتایج مثبت و عملی اخذ کنند. پیامبر اکرم ﷺ این روش را برای بزرگان نیز در به کار می‌گرفتند، چه رسد به کودکان. در روایت فوق، پیامبر ﷺ می‌توانستند بدون مقدمه بفرمایند که از گناهان کوچک پرهیزید، زیرا از جمع آن‌ها گناهان زیادی انباشته می‌شود؛ ولی با ذکر مثال و تصویرسازی، در عمل به آن‌ها نشان دادند که گناهان کوچک هم مانند این هیزم‌ها زیاد و انباشته می‌شود و می‌تواند آثاری بزرگ در زندگی داشته باشد (کرمی، ۱۳۹۷، ص ۶۳-۶۴).

۱۶-۱. تعریف داستان

داستان، قوه تفکر، استدلال و خلاقیت کودک را برمی‌انگیزد و سبب رشد عقلی و همه‌جانبه شخصیتی او می‌گردد. کودک درباره آن‌چه در داستان می‌گذرد، تفکر می‌کند. در درون خویش به استدلال می‌پردازد، عوامل موفقیت‌ها و یا شکست‌ها را در داستان‌ها بررسی می‌کند و به دنبال ایجاد خصلت‌های نیک در ذات خود و دوری از بدی‌هاست. داستان‌های علمی و تخیلی نیز با توجه به درون‌مایه آینده‌نگرانه و خلاق کودک، او را به تأمل و اندیشه درباره آینده و می‌دارند. بهتر است، کودک پس از خواندن یا شنیدن داستان‌ها، در مورد آن‌ها تفکر و با دیگران در مورد آن صحبت و بحث کند. این روش، از نظر عاطفی و عقلی بسیار مفید است (همان، ۱۳۹۷، ص ۶۶-۶۷).

۱۷-۱. درونی کردن تفکر در کودک و دادن آزادی عمل به او

دنیای امروز آن‌قدر پیچیده شده که آموزش تفکر به فرزندان، تبدیل به نیازی ضروری گشته است. همه افراد، خاصه کودکان قادر هستند که تفکر را آموزش ببینند و در آن مهارت کسب کنند. اصلی‌ترین کار برای آموزش تفکر، این است که شما هم فکورانه عمل کنید تا فرزندتان در فضای

متفکرانه خانه، رشد و نمو داشته باشد (همان، ۱۳۹۷، ص ۸۱). تحقیقات حاکی از آن است، انسان‌هایی که خلاقانه به دنبال راه‌حل برای مشکلات خود می‌گردند، خوش‌بین‌تر هستند. بنابراین، هنگامی که فرزندان با موقعیت‌های ناخوشایند مواجه می‌شود، به او نشان دهید چگونه از شکایت اجتناب کند و به جای آن به دنبال نتیجه باشد (همان، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). نکته دیگر، دادن آزادی عمل به کودک است. فرزند شما در هفت سال اول زندگی، بسیار کنجکاو است؛ بنابراین برای ارضای کنجکاویش، آزادی بیشتر به او بدهید، اما متوجه خطرها باشید. چپش درست وسایل زندگی و در دسترس نبودن وسایل خطرناک، از میزان خطرها می‌کاهد (دهنوی، ج ۲، ص ۱۰۸). والدینی که دائماً در حال تذکر دادن به فرزندشان هستند، سرش داد می‌زنند یا به هرچه دست زد، دستوری می‌دهند و مرتب به او می‌گویند: نرو! نکن! بشین! داد زن! و... در واقع، زمینه بی‌قراری و کسالت را در فرزندشان به وجود می‌آورند. بگذارید کودک با مشاهده اشیاء و بازی، استعداد خود را پرورش دهد (نیکوبیان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

۱۸-۱. صرف زمان با کودک

شاید از این گلایه داشته باشید که به دلیل مشغله زیاد، فقط سر سفره شام فرزندان را می‌بینید؛ اما این فرصت را نیز نباید از دست بدهید. مقداری از امور خوشایند روزمره‌تان، کارهای انجام‌یافته، مشکلات حل‌شده، آدم‌هایی که دیده‌اید و نظایر همین چیزهای جزئی را سر سفره برای کودکان و خانواده تعریف کنید. همین مقدار از مصاحبت، بسیار مفیدتر از ساکت و بی‌توجه بودن به تمایلات کنجکاوانه کودکان است. صرف زمان برای کودک، پروسه‌ای کوتاه‌مدت، کم‌هزینه و مؤثر است و فواید تربیتی آن می‌تواند در درازمدت یاری‌رسان فرزندان باشد و او را بیمه کند (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۵۸-۵۹).

۱۹-۱. دنبال کردن چیزهای جذاب برای کودک

پدر و مادرها در اغلب موارد، نمی‌توانند درک کنند که چرا به صورت ناگهانی یک چیز برای کودک جذاب می‌شود! این جذابیت را مغتنم بشمارید! اگر مُدام با کبریت بازی می‌کند، می‌توانید از آتش و فواید و مضرات آن صحبت کنید؛ او را به آتش‌نشانی ببرید و کار آن‌ها را برایش توضیح دهید. یا اگر در تلویزیون با دیدن حیوانی مثل نهنگ به وجد می‌آید، کتابی مصور از حیوانات دریایی تهیه و مدتی از روز را صرف خواندن آن برای کودک کنید. هم‌چنین می‌توانید برای صدمین بار برنامه‌ای مربوط به ماهیان در اعماق دریا را مشاهده کنید، بی آن‌که از تکراری بودن آن گله‌مند باشید (همان، ۱۳۹۷، ص ۶۱).

۲. نقش سلبی والدین در پرورش تفکر کودک؛ ایفای نقش سلبی والدین نیز شامل مواردی هم چون: شخصیت رفتاری نامناسب، وجود قوانین دست‌وپاگیر در منزل، انتقادهای مکرر، منع کودکان از بازی و... می‌شود که در ادامه، بررسی می‌شود.

۱-۲. شخصیت رفتاری نامناسب

معمولاً شخصیت دوگانه و متضاد والدین در قبال فرزندان، از جمله در عدم نظارت و مراقبت بر روند فعالیت‌های آنان، محبت‌های بی‌حساب یا رفتارهای تحقیرآمیز، اجبارهای توأم با تحکم و خشونت و سخت‌گیری‌های بی‌مورد و بی‌عدالتی در رفتارها، می‌تواند هم مانع اعتماد به نفس و هم مانع اساسی در ایجاد تفکر و ایده‌پردازی فرزندان گردد. زیرا وقتی در خانواده اجازه صحبت و ارائه نظر به آن‌ها داده نشود، شخصیت‌شان سرکوب شده و در نتیجه، حاضر به اظهارنظر و ایده‌پردازی در مکان‌های عمومی نخواهند بود.

۲-۲. بیهوده شمردن خلاقیت کودک

چنان‌چه خلاقیت و رویاهای کودک با بی‌توجهی و تمسخر و بیهوده انگاشتن از جانب والدین روبه‌رو شود، سرچشمه خلاقیت او از بین می‌رود. ارزش قائل نشدن برای عقاید کودک، انتقاد و سرزنش مکرر نسبت به کارهای او و قضاوت نادرست در درون خانواده، از جمله موانع رشد تفکر کودک محسوب می‌شود (امامی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷).

۲-۳. قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل

بسیاری از والدین برای خانواده خود مقررات و قوانین خشک، دست‌وپاگیر و محدود کننده‌ای قرار می‌دهند که پدید آوردن چنین شرایطی در منزل و اصرار و پافشاری بر رعایت آن‌ها از جانب والدین، سبب می‌شود کودکان به تدریج، به رفتار تکراری و قالبی عادت کنند. کودکان دارای تفکر خلاق، در آینده والدینی خواهند بود که تا حد زیادی به فرزندان خود استقلال می‌دهند. در نقطه مقابل، کودکان فاقد تفکر خلاق، در آینده هرگز به فرزندان‌شان اجازه نمی‌دهند حتی برای تفریح خود تصمیم بگیرند و آنان را با قدرت و نفوذ لازم حفظ می‌کنند (امامی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶).

۲-۴. انتقاد مکرر از رفتار کودک

ارزیابی‌های پی در پی رفتارهای کودک و زیر نظر قراردادن و انتقاد کردن از کارهای او در خانواده، آزادی، امنیت و اعتماد به نفس کودک را مختل می‌سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت

می‌کند. اگر این ترس در وجود کودک رخنه کند، جرئت ابراز هرگونه اندیشه و کارهای جدید را از دست می‌دهد (همان، ۱۳۹۱، ص ۷).

۵-۲. منع از بازی کردن (بازی با طبیعت، کتاب و...)

کودکان و فرزندان تان را از بازی کردن منع نکنید، بلکه در بازی‌های کودکانه آن‌ها شرکت کرده و خود را مانند کودکی هم‌بازی آنان قرار دهید. این کار، نه تنها سبب شادی و صمیمیت، احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس در کودک می‌شود، بلکه بهترین راه برای آموختن آن دسته از اصول اخلاقی و تربیتی است که آموزش آن از روش مستقیم، سخت و زمان‌بر است (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۴۲). بازی، باعث افزایش قدرت خلاقیت، ابتکار و شکوفایی استعدادهای کودک می‌شود و در مقابل، بازی نکردن، عواقب بسیار بدی در کودکی و بزرگسالی او دارد؛ از جمله حس محرومیت، افسردگی، چاقی و از همه مهم‌تر، عدم تعادل رفتاری در گروه و اجتماع.

مهم‌ترین زبانی که کودک از بازی نکردن می‌بیند، نداشتن رشد عقلی مطلوب است. طبق یافته‌های پژوهشگران کودکانی که بازی نمی‌کنند یا کم بازی می‌کنند، رشد مغزشان ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر از اندازه متوسط رشد مغز در همسالان آن‌هاست (همان ۱۳۹۷، ص ۴۴). نباید به بهانه‌های مختلف، کودکان را از اسباب‌بازی‌های طبیعی و به‌طور کلی بازی، محروم ساخت. انسان پرورش‌یافته در طبیعت از نظر جسمی، روحی و روانی سالم‌تر خواهد بود و از لحاظ تربیتی نیز امکان بیشتر برای تفکر، به‌ویژه اندیشیدن در اهداف خلقت را خواهد داشت.

سهل بن سعد می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ به کودکانی برخوردند که خاک‌بازی می‌کردند؛ یکی از یاران پیامبر ﷺ آن‌ها را از این کار منع کرد؛ حضرت ﷺ فرمودند: «رهایشان کن؛ زیرا خاک، بستان کودکان است».

پیامبر اکرم ﷺ با تشبیه خاک به بستان سرسبز در این روایت، گویا می‌خواهند بفرمایند همان‌طور که بستان سرسبز بهاری بهترین زیست‌گاه برای رشد و تکامل دیگر مخلوقات جان‌دار خداوند محسوب می‌شود، برای کودکان نیز، بازی و ارتباط با خاک و طبیعت، بهترین زمینه برای رشد و پرورش خواهد بود (داوودی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۳).

علاوه بر طبیعت، قفسه کتاب یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های یک خانه برای کودک است. ارتباط کودک با کتاب، با خواندن آن شروع نمی‌شود. او این ارتباط را با بازی کردن و به هم ریختن کتاب‌ها آغاز می‌کند! برخی از والدین به دلیل حساسیتی که روی کتاب‌هایشان دارند، اجازه

نمی‌دهند که کودک با کتاب‌های آنان بازی کند؛ و اگر کودک را در حال به‌هم ریختن قفسه کتاب‌ها ببینند، به‌شدت با او برخورد می‌کنند! این برخوردهای تند، خاطرات تلخی را برای او تولید می‌کند که در آینده ممکن است نتیجه‌اش تنفر از کتاب باشد. درحالی‌که با برنامه‌ریزی مناسب، می‌توان لحظه‌های خوشی را برای کودک در کنار کتاب به تصویر کشید (عباس‌ولدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۱).

۶-۲. انجام تکالیف درسی کودک

بدترین کار برخی پدر و مادرها، انجام تکالیف درسی کودک‌شان است! این کار باعث می‌شود، کودک همیشه جواب آماده را از کسی بخواهد و خودش درباره سؤالات و مسائل درسی فکر نکند. پدر و مادری که به‌طور مستقیم به کودک‌شان کمک می‌کنند، در حقیقت به او لطف نکرده‌اند و در نتیجه این محبت بی‌جا، او در مدرسه به تنهایی از عهده امتحان برنیامده و به دنبال کمک گرفتن از دیگران خواهد بود. چنین کودکی از نوشتن می‌ترسد و مرتب از معلم می‌پرسد که جواب را درست نوشته است یا نه! او در کلاس‌های بالاتر که نمی‌تواند با معلم تماس بگیرد، دچار مشکل شده و جواب‌ها را جابه‌جا یا غلط نوشته یا به علت اضطراب، جواب بعضی از سؤال‌ها را نمی‌نویسد و همیشه دچار دلهره و نگرانی از امتحان است (نیکوبیان، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

۷-۲. واکنش نادرست در موقع عصبانیت

گاهی فرزندان به دلایل مختلف موجبات خشم و عصبانیت پدر و مادر را فراهم می‌کنند؛ نحوه بروز این خشم بسیار مهم است. اگر والدین بتوانند خشم خود را کنترل کنند و به جای تحقیر و تنبیه فرزندان، تواضع در پیش بگیرند و به تذکری دوستانه و مؤثر بسنده کنند، به فرزند خود نوعی از عقلانیت کاربردی را آموخته‌اند که عملاً ببینند و بدانند حتی در بدترین شرایط نیز راه‌هایی مناسب‌تر از بروز خشم و بددهانی وجود دارد. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این باب فرمودند: «لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ؛ با خشم، تربیت ممکن نیست» (غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۵۲۹).

رسول خدا صلی الله علیه و آله صبح‌ها که از خواب برمی‌خاستند، دست نوازش بر سر فرزندان و نوادگان‌شان می‌کشیدند. کودکی که در آغاز صبح از چنین نوازشی بهره‌مند می‌شود، آرامش، امنیت، پذیرفتگی را احساس می‌کند؛ اطمینان می‌یابد که وجودش در خانه زاید نیست و جایگاهش نزد والدین شناخته شده و محفوظ است. بنابراین سعی می‌کند این جایگاه را با ارزیابی نقادانه کارهای خود، محکم‌تر کند و با مقایسه رفتار والدینش با رفتارهای اطرافیان در برابر فرزندشان، جایگاه تعقل پدر و مادر خویش را در تربیت خود درمی‌یابد و سعی می‌کند آن را به درستی الگوبرداری کند (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

۸-۲. افراط در پاسخ‌گویی به سؤالات

بعضی از پدران و مادران در جواب دادن به سؤال کودکان، افراط می‌کنند؛ یعنی در پاسخ یک سؤال کوتاه، عمیقاً وارد جواب می‌شوند و هرچه در این باره می‌دانند، بیرون می‌ریزند! ولی این کار درست نیست؛ زیرا به تجربه ثابت شده که کودک حوصله پرحرفی و وارد شدن در گفت‌وگوهای طولانی را ندارد. او فقط جواب سؤال خودش را می‌خواهد و در طلب این است که به نحو سرگرم‌کننده‌ای پاسخش را دریابد، اما نه لزوماً از راه حرف زدن و استدلال‌های پُردامنه (همان، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

۹-۲. گرفتن فرصت آزمون و خطا از کودک

کودکان تجربه کردن را دوست دارند؛ به همین دلیل هم دلشان می‌خواهد اسباب‌بازی‌ها را خراب کنند تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد؟ آن‌ها می‌خواهند از درون اسباب‌بازی باخبر شوند. گاهی پدر و مادرها اجازه تجربه کردن را به کودکان‌شان نمی‌دهند و به اسم کمک، نمی‌گذارند خود او با آزمون و خطا، تلاش کند که اشتباهش را بیابد و اصلاح نماید. درحالی‌که این اشتباه و اصلاح، یکی از عوامل اصلی رشد تفکر است و لذت‌بازی را نیز برای کودک بیشتر می‌کند (عباس‌ولدی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹). برخی از ما گمان می‌کنیم، راه‌نمایی کودک در بازی‌ها، به او کمک می‌کند تا حوصله‌اش سر نرود و ارتباط بیشتری با بازی برقرار کند؛ اما باید توجه داشت که مقدار قابل توجهی از جذابیت بازی، در رفت و برگشت‌هایی است که کودک به جهت اشتباهاتش انجام می‌دهد. البته گاهی اشتباهات در بازی، به اندازه‌ای می‌شود که کودک را عصبی می‌کند! در این‌جا، کمک به اندازه‌ای که او از این بحران بیرون بیاید، خوب است؛ اما در همین‌جا هم کمک باید در حد راه‌نمایی باشد، تا فرصت تجربه به صورت کامل از او گرفته نشود (همان، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱).

۱۰-۲. خُرده‌گیری به خاطر اتلاف وقت

در حقیقت کودکان هیچ‌گاه وقت تلف نمی‌کنند. شاید کارشان از نظر شما نوعی وقت تلف کردن باشد! اما باید بدانید، اگر محو تماشای حشره‌ای شده است، یا گلی را می‌بوید یا در مغازه‌ای چیزی می‌بینید، در حال ارضای حس کنجکاوی خود است. پس بهتر است کمی او را همراهی کنید. برای مثال، اگر محو تماشای کفش‌دوزک بر روی درخت شده است، شما هم با او به تماشا بنشینید و اگر می‌ترسد، کفش‌دوزک را روی دستان خود قرار دهید و خال‌های سیاه روی بال او را بشمارید. درباره این‌که این حشره چه می‌خورد، کجا زندگی می‌کند و شب‌ها کجا می‌رود، با کودک

صحبت کنید. بدانید که او به همراهی شما نیاز دارد. اگر چیز جذابی درباره آن‌ها یافته است، پس اطلاعاتی به او بدهید تا با فراغ بال بیشتری به دنبال کنجکاوی‌های خود برود.

۱۱-۲. سرزنش به خاطر به هم ریختن خانه

ممکن است کودک شما، با به هم ریختن خانه، هدفی خاصی را دنبال کند؛ مرتب او را به خاطر این کار سرزنش نکنید. الزاماً خوب نیست که کودک فقط با اسباب بازی تفریح کند. گاهی ممکن است بخواهد با استفاده از چند متکا و چادر نماز مادر، اقدام به ساختن محیطی برای بازی خود کند. کمی صبور باشید و حتی ابزار کار در محیطی کم‌خطر برای او مهیا کنید. برای مخفی‌گاه کوچک فرزندتان، خوراکی تهیه کنید و بگذارید لحظاتی را در جایی که خود ساخته، زندگی کند (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۵۹-۶۰).

۱۲-۲. خجالت‌زده کردن در جمع

وقتی نظری می‌دهد (به‌ویژه در جمع) هرگز با جمله‌هایی از قبیل این‌که «کسی از تو نظر نخواست» یا «این مطلب به بچه‌ها مربوط نمی‌شود» و... او را خجالت‌زده نکنید (دهنوی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱). این کار، علاوه بر سرکوب شخصیت کودک، اعتماد به نفس و جرأت اظهار نظر را در او به شدت تضعیف می‌کند.

۱۳-۲. به تمسخر گرفتن پرسش‌های کودک

هیچ‌گاه پرسش کودک را به تمسخر نگیرید. از پرسش‌های فراوان او کلافه نشوید و ابراز خستگی و ناراحتی نکنید. اگر کاری دارید، با مهربانی به او بگویید که زمان دیگری به او پاسخ خواهید داد. پاسخ‌هایی از قبیل «بعد می‌فهمی» یا «بزرگ می‌شی می‌فهمی» درست نیست، زیرا کنجکاوی کودک ارضا نمی‌شود و سراغ دیگران می‌رود که ممکن است آنان نیز پاسخ مناسب یا درستی به او ندهند و در آینده، مشکلاتی برایش پدید آید. اغلب کودکان، با پاسخ‌هایی ساده قانع می‌شوند. به‌طور مثال، کودک می‌پرسد: گاو چرا پا دارد؟ پاسخ می‌دهید: برای این‌که روی پاهایش بایستد و و بدنش زمین نخورد. اگر از این پاسخ شما قانع نشد، از خودش پرسید: تو چی گمان می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد: برای راه رفتن. بگویید آفرین! و از همین موقعیت برای آموزش مطلب اضافی بهره ببرید (همان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای عصر حاضر، یکی از مهم‌ترین اهدافی که باید دنبال شود، پرورش قدرت تفکر افراد جامعه است. چراکه انسان با مهارت تفکر می‌تواند خود را با پیشرفت‌های بشری همگام سازد و ضمن تجهیز به سلاح علم، هنر، اخلاق و معنویت، توانایی حل چالش‌های پیش رو را داشته باشد. برای رسیدن به این مقصود، باید از کودکی شروع کرد. اگر به کودک هنر فکر کردن بیاموزیم، وقتی از دست کسی ناراحت است، در روبه‌رو شدن با او درست فکر می‌کند و مودبانه می‌پرسد: «آیا فلان کار را تو انجام داده‌ای؟ یا آن حرف را تو گفته‌ای؟...» و اگر او هم این هنر را آموخته باشد، با حوصله و فکر و ادب، جواب مناسبی می‌دهد و دلیل می‌آورد که طرف را قانع می‌کند یا پوزش می‌طلبد؛ به این ترتیب، دشمنی و کینه از بین می‌رود.

با توجه به اهمیت بحث پرورش تفکر در کودک، از بررسی نقش والدین در این زمینه، نتایج زیر به دست آمد: والدین با تکریم شخصیت فرزند، صحبت و گفت‌وگو با او، آموختن هنر فکر کردن، خوب دیدن و گوش کردن، بازی با وی و صرف زمان بیشتر برای کودک خود، می‌توانند زمینه رشد و پرورش تفکر را در او ایجاد کنند؛ علاوه بر آن، نظرخواهی از فرزند، جدی تلقی کردن سوالات وی، مشورت با او، تقویت کنجکاوی و تخیل کودک نیز از مؤثرترین راه‌های رشد فکری کودکان است. در سوی مقابل، والدین در صورت ایفای نقش سلبی و بروز رفتارهایی مانند: بیهوده شمردن خلاقیت کودک، وضع قوانین خشک و دست‌وپاگیر، انتقاد و سرزنش مکرر، افراط در پاسخ‌گویی و گرفتن فرصت آزمون و خطا، موجب تضعیف مهارت تفکر در کودک می‌شوند.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، به کوشش علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
 ۲. امامی، راضیه، نجفی، محمد، «آسیب شناسی تفکر در سازمان‌ها»، معرفت، ش ۱۷۶، ۱۳۹۱ش.
 ۳. الجوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
 ۴. داوودی، محمد، حسینی زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶ش.
 ۵. دهنوی، حسین، نسیم مهر، ج ۱، ۲، ۳، بی جا، انتشارات خادم الرضا ، ۱۳۸۹ش.
 ۶. شعبانی، اکبر، روان شناسی تربیت کودک در سیره معصومین ، بی جا، مبین اندیشه، دوم، ۱۳۹۴ش.
 ۷. عباس ولدی، محسن، من دیگر ما؛ ج ۲، قم، جامعه الزهراء ، ۱۳۹۲ش.
 ۸. _____، بازی های غسل و غسل های بدلی، قم، آیین فطرت، هفتم، زمستان ۱۳۹۷ش.
 ۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰ش.
 ۱۰. قاسمی، محمدعلی، دوران طلایی تربیت، قم، نورالزهراء ، ۱۳۹۷ش.
 ۱۱. کرمی، رضا علی، روش های تربیت فرزند عاقل، قم، قلم گاه، ۱۳۹۷ش.
 ۱۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
 ۱۳. نیکوبیان، محمد، شکوفه ها باران می خواهند، انتشارات زینتی، ۱۳۹۵ش.

The role of parents in developing a child's thinking

Zainab Rostami Romelu

Abstract

Information and knowledge is considered a characteristic of the present age; Therefore, it is appropriate that one of the most important goals of families and scientific and cultural institutions of the country is to cultivate the thinking power of people in the society. To achieve this goal, one should start from childhood and nurture the child's mind with appropriate methods. The most important and the first focus of education is the family, at the head of which parents play a significant role in developing the child's thinking. But unfortunately, one of today's challenges is the lack of work and lack of attention of parents to develop thinking skills in their children. Naturally, as a result of this lack of attention, their child becomes angry when he hears a harsh sentence as an adult and fights or uses a cold weapon! Because he has not yet learned the art of thinking. The main purpose of this research is to investigate the role of parents in the development of children's thinking, with the descriptive research method and the collection of library information. Considering the importance of the position and influence of parents in raising children, their role can be positive or negative; In a positive role, parents can strengthen the child's thinking skills by honoring the personality, developing good listening skills, good vision and strengthening the child's curiosity. On the other hand, playing a negative role by repeatedly scolding, mocking the child's questions or prohibiting him from playing, etc., can lead to depriving him of thinking skills.

Keywords: thinking, curiosity, child, parents.